

بنج‌شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴ | ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۷

مجلس نمایندگان با رأی خیره‌کننده ۴۲۷ و سنّا با رأی تمامی اعضا، به انتشار همه اسناد مربوط به جفّری ایستین رأی دادند. در امریکا گفته می‌شودهمصدایی حزبی (Bipartisan) نه‌فقط لایه‌های پنهان قدرت در ایالات متحده را به لوزه درآورد. پرونده ایستین، در کشوری که ادعای لیبرال‌دموکراسی دارد، ظاهرًا از این‌ظرفیست برخوردار است که نشان‌دهد «حکرم‌شود که مست گیرند، در شهر هر آن که هست گیرند». پرونده‌ای که از سیاستمداران تا صاحبان سّر مایه و نهادهای امنیتی، هیچ‌کس مطمئن نیست دامنه آن تا کجا گسترش می‌یابد و چه کسانی را به کام خود خواهد کشید. این حد‌از اجماع دو حزبی بر سر پرونده‌ای که می‌تواند پای خیلی افراد و نهادهای تر‌تیبات را وسط بکشد، تداعی‌کننده شرایط خطرناک «همه علیه همه» و پیچیده‌ترین دموکراسی دنیاست. آیا این پرونده چنین سرنجامی خواهد داشت؟

■ ■ ■

افشای گاه و بیگاه، رسوایی‌های اخلاقی و مالی چهره‌های شناخته‌شده در امریکا اگر چه بی‌سابقه نیست اما درخت تومندگی که «جفّری ایستین» از فساد پرورش داده است، چنان در عرصه‌های مختلف ایالات متحده ریشه دوانده که به نظر می‌رسد سایه آن به این زودی‌ها از سر جامعه امریکا بر داشته نخواهد شد. دونالد ترامپ که حضور شانه به شانه او در تعدادی از عکس‌ها در کنار جفّری ایستین، تردیدی در باره رابطه نزدیکش با این مجرم جنسی نگذاشته است، سعی می‌کند ارتباطات خود با وی را کم‌اهمیت جلوه دهد. اما این تلاش‌ها با افشای مجموعه جدیدی از ایمیل‌های ایستین که کمیتۀ نظارت‌مجلس نمایندگان به‌تازگی آنها را منتشر کرده است، حاکی از جزئیات تازه‌ای است که قطعاً دونالد ترامپ هم از پیامدهای آن در امان نخواهد بود.

■ **همصدایی مجلس نمایندگان و سنّا**

ترامپ که پیش‌تر با انتشار اسناد ایستین مخالفت کرده بود، اعلام کرده که کمیتۀ نظارت‌مجلس نمایندگان می‌تواند به همه اسناد مربوط به پرونده جفّری ایستین دسترسی داشته‌باشد.او در شبکه‌اجتماعی تروث‌شوال نوشت: «جمهور‌پخوانان مجلس نمایندگان امریکا باید به انتشار اسناد ایستین رأی دهند، چرا که ما چیزی برای پنهان کردن نداریم.» به دنبال این اظهارات، کمیتۀ نظارت‌مجلس نمایندگان امریکا که پیش‌تر در سال جاری درخواست انتشار اسناد مربوط به این سرمایه‌گذار بدنام و قاجاقچی دختران جوان زیر سن قانونی را داده بود، با اکثریت قاطع آرا به تصویب قانونی رأی داد که وزارت دادگستری را ملزم به انتشار تمام سوابق مربوط به ایستین می‌کند. این یک پیروزی بزرگ برای قانونگذاران هر دو حزب محسوب می‌شود که ماه‌هاست در این زمینه تلاش می‌کنند. این لایحه با ۴۲۷ رأی موافق و یک رأی منفی در حالی رأی آورد که بسیاری از قربانیان ایستین که در گنجره حضور داشتند، ناشین تصویب آن را جا برخواستند و قانونگذاران را تشویق کردند. رأی‌گیری‌های وفاق دو حزبی، پدیده‌ای خاص در امریکا محسوب

■ **گزارش یک**

■ **مهرزاد اصغریان**



ایالات متحده ایستینی

مجلس نمایندگان با رأی ۴۲۷ به یک به انتشار اسناد مجرم جنسی امریکا رأی داد تا پرونده‌ای گشوده شود که می‌تواند بسیاری از

نخبگان سیاسی را بلعد، آن هم با رأیی اجماعی که بیشتر تداعی‌گر رویارویی همه سیاستپون با همدیگر است

ایستین و همدستش گیلین مکسول، گزارش‌های

می‌شود و این درجه‌از اجماع دو حزبی بر سر پرونده‌ای که می‌تواند پای بسیاری از افراد، نهاده‌او تر‌تیبات را به میان بکشد، تداعی‌کننده نوعی شرایط خطرناک «همه علیه همه» است. کلی‌هیگیز، تنها قانونگذاری بود که به این لایحه رأی منفی داد. او در شبکه‌اجتماعی ایکس نوشت که این لایحه، همان‌طور که نوشته‌شده است می‌تواند نام هزاران نفر بی‌گناه، شاهدان، افرادی که غیبت کرده‌اند، اعضای خانواده و غیره را افشا کند.» با این حال و این پس از رأی محکم مجلس نمایندگان، چند ساعت بعد چاک شومر رهبر اکثریت سنا به صحن علنی رفت و درخواست کرد که پس از ارسال لایحه‌از مجلس نمایندگان، این طرح به سنا نیز به تصویب برسد. همه سناوتزوها هم با این درخواست موافقت کردند. به این ترتیب، پس از ارسال مدارک‌از مجلس نمایندگان به سنا، لایحه‌مستقیماً برای رئیس‌جمهور ارسال خواهد شد و او قول داده است آن را به سنا نیز به تصویب تبدیل کند.

■ **افشای نام‌های آشنا**

کاخ‌سفید هم این موضوع را تأیید کرد که رئیس‌جمهور

قصد دارد مصوبه کنگره در باره الزام وزارت دادگستری به انتشار پرونده‌های ایستین را امضا کند. این لایحه، دادستان کل را ملزم می‌کند که تمام سوابق، اسناد، ارتباطات و مطالب تحقیقاتی غیر محرمانه مربوط به

در نزدیکی شهر ساحلی صیدا در لبنان حمله هوایی انجام داده و هدف این حمله، یک مرکز آموزشی متعلق به نیروهای حماس بود و برای انجام آموزش‌ها استفاده می‌شد که با هدف «برنامه‌ریزی و اجرای حملات علیه نیروهای ارتش اسرائیل» انجام می‌گرفت. این درحالی‌است که حماس دیروز در بیانیه‌ای ضمن محکومیت این جنایت، ادعاها و اتهامات ارتش رژیم صهیونیستی مبنی بر اینکه محل هدف قرار گرفته شده یک مجتمع آموزشی متعلق به این جنبش بوده است را تکذیب کرد. حماس گفت که ادعای صهیونیست‌ها با هدف توجیه تجاوز جنایتکارانه آنها و تخریک خشونت علیه اردوگاه‌های فلسطینی و مردم فلسطین مطرح شده است. کمیتۀ‌های مقاومت فلسطین نیز تأکید کردند: این قتل‌عام جدید بار دیگر چهره واقعی رژیم صهیونیستی را که بر اساس قتل‌عام و نسل‌کشی بنا شده است، آشکار می‌کند. حمله به اردوگاه عین‌الحلوه را ضربه‌ای محکم به همه کسانی می‌دانیم که به عادی‌سازی، همزیستی و توافقات صلح با اشغالگران دل بسته‌اند.

■ ■ ■

گروسی دیروز گفت: «ژانس در هرگز خواستار صدور قطعنامه علیه ایران نشده است و اساساً اینکه قطعنامه‌ای در شورای حکام تصویب‌شود یا نشود، به ساختار رسمی تعامل ما با ایران ارتباطی ندارد؛» موضعی که سعی می‌کند تصمیم‌ترونیکی اروپایی را برای صدور قطعنامه علیه ایران در شورای حکام خارج از اراده آژانس معرفی کند. مدیرکل آژانس در پاسخ به پرسشی درباره روند بررسی قطعنامه اخیر که کشورهای غربی علیه ایران پیشنهاد داده‌اند، گفت باید دید در نهایت چه قطعنامه‌ای تصویب خواهد شد و آژانس آن را مورد بررسی قرار خواهد داد.

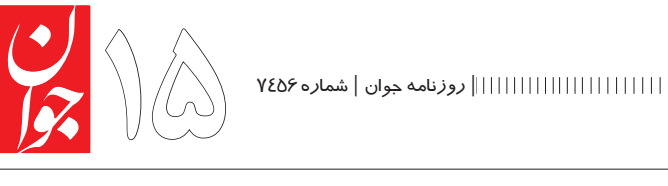
مدیرکل آژانس توضیح داد که بازرسان آژانس پس از حملات ماه ژوئن به تأسیسات هسته‌ای ایران به کشور بازگشته‌اند و تاکنون در اکثر دفاعی را فراهم می‌کند. کاخ‌سفید هم در بیانیه‌ای اعلام کرد توافق دفاعی جدید، نقش امریکا را به‌عنوان تضمین‌کننده امنیت منطقه تقویت می‌کند و بستر مشارکت‌های دفاعی گسترده‌تر را فراهم می‌سازد. بنا بر این گزارش، ترامپ همچنین توافق فروش نزدیک به ۲۰۰ تانک امریکایی به عربستان را نهایی کرده است. رئیس‌جمهور، همچنین روابط خود با ولیعهد سعودی را «بسیار دوستانه» توصیف کرد. محمد بن‌سلمان نیز از افزایش سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در امریکا از ۶۰۰ میلیارد دلار به یک تریلیون دلار خبر داد. او پیش‌تر در سفر ترامپ به عربستان سعودی از سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری ریاض در امریکا خبر داده بود. ولیعهد عربستان سعودی در ملاقات با ترامپ خطاب به او گفت: «رئیس‌جمهور، به نظر امروز یا فردا می‌توانیم اعلام کنیم که قرار است ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری‌مان را به یک تریلیون دلار افزایش دهیم. سرمایه‌گذاری واقعی و ایجاد فرصت‌های واقعی.»

نشست فصلی شورای حکام آژانس در حالی با حساسیت‌دنبال می‌شود که امریکا و ترونیکی‌اکر اروپایی، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را علیه ایران ارائه کرده‌اند؛ سندی هشت‌بنددی که از تهران می‌خواهد دسترسی فوری به سایت‌های هسته‌ای آسیب‌دیده، گزارش درباره ذخایر اورانیوم و بازگشت به تعهدات پادمانی و حتی تعلیق فعالیت‌های حساس، از جمله غنی‌سازی و وازفر آوری را بپذیرد. وافاقل گروسی در نشست خبری دیروز خود از خودش مقابل قطعنامه ارائه شده سلب مسئولیت کرد و گفت که صادر شدن قطعنامه علیه ایران ربطی به ساختار تعامل آژانس با ایران ندارد.

گروسی دیروز گفت: «ژانس در هرگز خواستار صدور قطعنامه علیه ایران نشده است و اساساً اینکه قطعنامه‌ای در شورای حکام تصویب‌شود یا نشود، به ساختار رسمی تعامل ما با ایران ارتباطی ندارد؛» موضعی که سعی می‌کند تصمیم‌ترونیکی اروپایی را برای صدور قطعنامه علیه ایران در شورای حکام خارج از اراده آژانس معرفی کند. مدیرکل آژانس در پاسخ به پرسشی درباره روند بررسی قطعنامه اخیر که کشورهای غربی علیه ایران پیشنهاد داده‌اند، گفت باید دید در نهایت چه قطعنامه‌ای تصویب خواهد شد و

آژانس آن را مورد بررسی قرار خواهد داد. مدیرکل آژانس توضیح داد که بازرسان آژانس پس از حملات ماه ژوئن به تأسیسات هسته‌ای ایران به کشور بازگشته‌اند و تاکنون در اکثر دفاعی را فراهم می‌کند. کاخ‌سفید هم در بیانیه‌ای اعلام کرد توافق دفاعی جدید، نقش امریکا را به‌عنوان تضمین‌کننده امنیت منطقه تقویت می‌کند و بستر مشارکت‌های دفاعی گسترده‌تر را فراهم می‌سازد. بنا بر این گزارش، ترامپ همچنین توافق فروش نزدیک به ۲۰۰ تانک امریکایی به عربستان را نهایی کرده است. رئیس‌جمهور، همچنین روابط خود با ولیعهد سعودی را «بسیار دوستانه» توصیف کرد. محمد بن‌سلمان نیز از افزایش سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در امریکا از ۶۰۰ میلیارد دلار به یک تریلیون دلار خبر داد. او پیش‌تر در سفر ترامپ به عربستان سعودی از سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری ریاض در امریکا خبر داده بود. ولیعهد عربستان سعودی در ملاقات با ترامپ خطاب به او گفت: «رئیس‌جمهور، به نظر امروز یا فردا می‌توانیم اعلام کنیم که قرار است ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری‌مان را به یک تریلیون دلار افزایش دهیم. سرمایه‌گذاری واقعی و ایجاد فرصت‌های واقعی.»

اینها را می‌توانیم به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ روابط بین‌الملل و دیپلماسی بین‌المللی در نظر بگیریم. این اتفاق نشان‌دهنده تغییر در موازنه قوا و نقش‌آفرینی‌های جدید در منطقه است. این اتفاق همچنین می‌تواند به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ روابط بین‌الملل و دیپلماسی بین‌الملل در نظر بگیریم. این اتفاق نشان‌دهنده تغییر در موازنه قوا و نقش‌آفرینی‌های جدید در منطقه است. این اتفاق همچنین می‌تواند به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ روابط بین‌الملل و دیپلماسی بین‌الملل در نظر بگیریم. این اتفاق نشان‌دهنده تغییر در موازنه قوا و نقش‌آفرینی‌های جدید در منطقه است.



روزشماره جوان | شماره ۲۴۵۶

احتمال می‌دهند که ترامپ از رفتار ایستین آگاه بوده تا اینکه بی‌اطلاع بوده‌باشد.

■ **راهبرد سازمان یافته برای سوءاستفاده از ثروت**

افشای ایمیل‌های ایستین، تصویری روشن‌تر را از جهانی ترسیم می‌کند که در آن ثروت فراوان، دسترسی بی‌حد و حصر و نزدیکی به قدرت می‌تواند افراد را از پاسخگویی و پیامدهای آن مصون نگه‌دارد و برای کسانی که در داخل این حلقه هستند، قوانین دنیای بیرون اعمال نمی‌شود. جیمی راسکین، دموکرات ارشد کمیتۀ قضایی مجلس نمایندگان گفت: «این فردی است که به اعتقاد من کمک‌های مالی هنگفتی به کالج‌ها و دانشگاه‌ها، از جمله هاروارد و ام‌آی‌تی، کرده است و این نوع هدایا می‌تواند برای شما پول و دسترسی زیادی در محافل مختلف نخبگان بخرد.» ایستین، صرفاً فردی بسیار ثروتمند و متمم به جنایات وحشتناک نبود. او علاوه بر اینها با بسیاری از قدرتمندترین افراد زمین ارتباط نزدیکی داشت که برخی از آنها ممکن است همدست او بوده‌باشند. حواشی ایستین صرفاً به بهره‌کشی جنسی خلاصه نمی‌شود بلکه در مورد قدرت سیستمی، پنهانکاری و شیوه محافظت نهاده‌ها از ثروتمندان و افراد مرتبط است. این موضوعی حزبی نیست، بلکه به عدالت مربوط می‌شود. از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۳، ایستین بیش از ۱۳۹ هزار دلار به نامزدها و کمیته‌های فدرال دموکرات و بیش از ۱۸ هزار دلار به نامزدهای جمهوریخواه کمک کرده است. او در دهه ۱۹۹۰، ۱۰ هزار دلار برای بازسازی بال غربی کاخ سفید کمک کرده‌دهد؛ای که گفته می‌شود باعث شد با بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت امریکا عکس بگیرد. ایستین با چنین اقداماتی، علامادرات به نوعی سرمایه‌گذاری استراتژیک روی افراد و قدرت کرد. شبکه او نه تنها شامل سیاستمداران، بلکه دربرگیرنده غول‌های مالی، غول‌های فناوری و... نیز می‌شد. دقیقاً به همین دلیل است که اکنون بسیاری خواستار افشای کامل اطلاعات هستند و می‌خواهند بدانند که چه کسی از نخبگان واقعا با او ارتباط پیدا کرد؟ ارتباطات ایستین محدود به کمک‌های مالی نبود، او روابط خود با افراد بسیار با نفوذ حفظ کرد: لارنس سامرز، رئیس سابق هاروارد و وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، ظاهراً ایستین بار با هوایم‌های شخصی ایستین پرواز کرده است. ایستین از کاخ سفید بازدید کرد، میزبان مراسم جمع‌آوری کمک‌های مالی بود و با چهره‌های سیاسی اصلی مکتبۀ داشت و در این زمینه، بیل کلینتون چهره‌ای تاثیرگذار بوده است. اما به نظر می‌رسد که این اظهارات هم در بهبود چهره ترامپ در میان امریکایی‌ها تأثیر مثبتی نداشته است. نظر سنجی مؤسسه Morning Consult که به تازگی انجام شده است، نشان می‌دهد ۶۰ درصد از رأی‌دهندگان می‌گویند ترامپ از سوءاستفاده‌های جنسی اطلاع داشته است از جمله ۳۸ درصد که معتقدند ترامپ در این اقدام مشارکت داشته و ۲۲ درصد که می‌گویند رئیس‌جمهور در آن مشارکت نداشته است. تنها ۱۰ درصد فکر می‌کنند ترامپ از این سوءاستفاده‌ها بی‌اطلاع بوده است. طبق نتایج این نظر سنجی، حتی جمهورپخوان نیز بیشتر

ایستین و همدستش گیلین مکسول، گزارش‌های می‌تواند پای بسیاری از افراد، نهاده‌او تر‌تیبات را به میان بکشد، تداعی‌کننده نوعی شرایط خطرناک «همه علیه همه» است. کلی‌هیگیز، تنها قانونگذاری بود که به این لایحه رأی منفی داد. او در شبکه‌اجتماعی ایکس نوشت که این لایحه، همان‌طور که نوشته‌شده است می‌تواند نام هزاران نفر بی‌گناه، شاهدان، افرادی که غیبت کرده‌اند، اعضای خانواده و غیره را افشا کند.» با این حال و این پس از رأی محکم مجلس نمایندگان، چند ساعت بعد چاک شومر رهبر اکثریت سنا به صحن علنی رفت و درخواست کرد که پس از ارسال لایحه‌از مجلس نمایندگان، این طرح به سنا نیز به تصویب برسد. همه سناوتزوها هم با این درخواست موافقت کردند. به این ترتیب، پس از ارسال مدارک‌از مجلس نمایندگان به سنا، لایحه‌مستقیماً برای رئیس‌جمهور ارسال خواهد شد و او قول داده است آن را به سنا نیز به تصویب تبدیل کند.

■ **افشای نام‌های آشنا**

کاخ‌سفید هم این موضوع را تأیید کرد که رئیس‌جمهور

قصد دارد مصوبه کنگره در باره الزام وزارت دادگستری به انتشار پرونده‌های ایستین را امضا کند. این لایحه، دادستان کل را ملزم می‌کند که تمام سوابق، اسناد، ارتباطات و مطالب تحقیقاتی غیر محرمانه مربوط به



سیاسی حفظ کنند. او گفت: «من در تماس منظم با تهران هستم و از ایران می‌خواهم اجرای کامل فعالیت‌های پادمانی را تسهیل کند.» او اضافه کرد: «تعامل و دیپلماتی، راحل فعلی است.» ■ **بقای: هیچ مذاکره‌ای با امریکا نداریم** سخنگوی وزارت خارجه با تأکید بر اینکه «در حال حاضر هیچ فرآیند مذاکراتی بین ایران و امریکا وجود ندارد»، تصریح کرد: پیام رئیس‌جمهور به ولیعهد عربستان محتوای کاملاً دوچانه‌ای داشته است. به گزارش ایسنا، «اسماعیل بقایی» سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سؤال خبرنگاران در خصوص ادعای دیروز رئیس‌جمهور امریکا درباره مذاکره با ایران گفت: در حال حاضر هیچ فرآیند مذاکراتی بین ایران و امریکا وجود ندارد. سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به سابقه بدهدی‌ها و زیاده‌خواهی‌های مکرر امریکا تصریح کرد: همان‌طور که وزیر امور خارجه نیز بارها تأکید کرده‌اند مذاکره با طرفی دیگر ادعاهای مربوط به اشتراک‌گذاری اطلاعات با اسرائیل را رد کرد و گفت: «ما اطلاعات ایران را به کسی نمی‌دهیم.» این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که اروپایی‌ها و امریکا، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را برای رأی‌گیری در شورای حکام آژانس پیش می‌برند. در این پیش‌نویس، کشورهای غربی خواستار اجرای کامل پروتکل الحاقی، ارائه فوری گزارش درباره سایت‌های بمباران‌شده، و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران شده‌اند؛ مواردی که یادآور قطعنامه‌های دهه ۱۳۸۰ است. گروسی تلاش کرده فاصله خود را از فضای



احسان شیخون

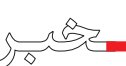
دیپلماسی با انگشت روی ماشه!

در ادبیات دیپلماتیک ایران، اصطلاح «مذاکره مسلح» به‌تازگی مطرح شده است؛ عبارتی که در نگاه نخست استعاری به نظر می‌رسد، اما در واقع توصیفی دقیق از ساختار فشار چندلایه‌ای است که امریکا و متحدانش بر تهران اعمال می‌کنند. در جهانی که قدرت سخت دوباره به مرکز تصمیم‌سازی بازگشته، این عبارت صرفاً یک گزاره سیاسی نیست، بلکه نشانه‌ای از یک الگوی تاریخی است؛ الگویی که شباهت‌های قابل توجهی با «صلح مسلح» اروپا پیش از جنگ جهانی اول دارد. روایت امروز ایران از مذاکرات، در واقع بازخوانی همان لحظه تاریخی است که قدرت‌های بزرگ با زبان فشار و تهدید، صلحی ظاهری اما تنش‌آلود را بر دیگران تحمیل می‌کردند. تفاوت تنها در جغرافیاست، نه در منطق قدرت. برای فهم دقیق‌تر، باید کمی به عقب بازگردیم. در دهه‌های پیش از جنگ جهانی اول، اروپا در وضعیت «صلح مسلح» گرفتار شده بود، صلحی که تنها در ظاهر برقرار بود، اما زیر پوست آن رقابت تسلیحاتی، بی‌اعتمادی و تهدید دائمی جریان داشت. قدرت‌های بزرگ، در حالی که پرچم صلح را بالا نگه داشته بودند، در عمل چنان مسلح شدند که کوچک‌ترین سوءمحاسبه‌ای می‌توانست آتش جنگ را روشن کند. نظم بین‌المللی آن دوران، نظامی ترشش، شکننده و بر پیام‌های متناقض بود. امپراتوری‌ها می‌گفتند صلح می‌خواهند، اما برای جنگ آماده می‌شدند.

امروز وضعیت ایران در برابر امریکا تفاوت ماهوی با آن تصویر ندارد. مذاکراتی که واشینگتن درباره آن سخن می‌گوید چه به قالب گفت‌وگوهای هسته‌ای و چه موشکی و منطقه‌ای در عمل مذاکره‌ای در سایه زور است. امریکا با تحریم‌های چندلایه، تهدید نظامی، جنگ روانی رسانه‌ای و عملیات فشار اقتصادی، شرایطی خلق کرده که حتی واژه «مذاکره» نیز معنای کلاسیک خود را از دست داده است. این همان چیزی است که در ادبیات سیاسی ایران «مذاکره مسلح» نام گرفته است. گفت‌وگویی که در آن یک طرف با اسلحه روی میز نشسته و از دیگری انتظار «تعهد بیشتر» دارد. در چنین وضعیتی، ایران به درستی به ماهیت نابرابر مذاکرات تأکید می‌کند. محور انتقادی جمهوری اسلامی ساده‌امانیان است. قواعد یک مذاکره عادلانه نمی‌تواند بر پایه تهدید طراحی شود. قدرت سخت نمی‌تواند جایگزین مشروعیت شود، همان‌طور که در صلح مسلح نیز قدرت‌های اروپایی هرگز نتوانستند تاکنه‌های نظامی خود یک نظم پایدار بسازند. واشینگتن نیز در برابر ایران همین اشتباه تاریخی را تکرار می‌کند: تصور اینکه ابزار فشار می‌تواند جایگزین اعتماد یا حتی جایگزین توافق متوازن شود.

مشکل اصلی اینجاست که ایالات متحده در طول سال‌های گذشته به جای اتخاذ رویکرد «دیپلماسی سازنده»، مسیر «دیپلماسی تک‌بندی» را برگزیده است. نوعی دیپلماسی که تنها زبان آن تحریم و تنها منطق آن اجبار است. این الگو نه تنها ناکارآمد بوده، بلکه در بسیاری از موارد نتیجه معکوس داشته است. تجربه برجام نمونه بارز آن است. توافقی که می‌توانست اعتمادسازی عمیق ایجاد کند، با خروج یکجانبه امریکا از آن، به نمادی ثبات‌ستار بدل شد. ایران هزینه زیادی را داد، اما امریکا هزینه خروج را نیز پرداخت و این پیام آشکاری به جهان داد: «واشینگتن ضامن توافقات نخواهد نیست.» به همین دلیل است که امروز ایران از «مذاکره مسلح» سخن می‌گوید. از نگاه تهران، امریکا هنوز به همان منطق قرن بیستمی وفادار است. منطقی که تصور می‌کند برتری اقتصادی و اقتصادی می‌تواند شکست‌ناپذیر را بر تحریک‌های متعدد نشان داده که فشار حداکثری، حتی اگر در کوتاهمدت کارآمد به نظر برسد، در بلندمدت ایجاد مقاومت بیشتر، انسجام درونی و تعمیق محاسبات راهبردی طرف مقابل را به همراه دارد. این دقیقاً به مسیر تاریخی کشور است. از آنجا به تجارت غربی به سمت تنوع‌بخشی شرکای اقتصادی از محدودیت‌های فناوریانه به سمت توانمندی‌های داخلی و از وابستگی امنیتی به بازدارندگی مستقل. این تحولات، امریکا را در برابر انتخابی دشوار قرار داده است. با باید از الگوی مذاکره مسلح خارج شود و به سمت یک گفت‌وگوی واقعی، مبتنی بر مصالحه و احترام متقابل حرکت کند، یا باید با پیاده‌های کم وضعت طولانی مدت صلح مسلح جدید در میان‌هوا مانع‌گنر بیابد. وضعیتی که می‌تواند هر لحظه به بحران تبدیل شود. واشینگتن به ظاهر از تنش‌دابی سخن می‌گوید، اما رفتار آن بیشتر شبیه شکل دهی به یک صلح مسلح منطقه‌ای است. اختلاف‌سازی نظامی، حضور سنگین در خلیج فارس و حمایت همیشگی از اعمال فشار علیه تهران.

در این چارچوب، حقانیت ایران نه یک ادعا، بلکه نتیجه منطقی تحلیل ساختار قدرت است. ایران بر این نکته تأکید دارد که مذاکره باید بر پایه احترام متقابل، تضمین عملی و توازن منافع شکل بگیرد. تهران بارها نشان داده که نه به دنبال تنش است و نه خواهان درگیری، اما در برابر فشار هم امتیازی نمی‌دهد. این موضع‌گیری با منطق حقوق بین‌الملل و با تجربه تاریخی ملت‌ها سازگار است. هیچ کشوری حاضر نیست در شرایط تحریم، تهدید یا حضور ناوهای نظامی، پای میز مذاکره برآید بنشیند. اگر امریکا واقعا به دنبال یک توافق پایدار است، باید از منطق «زور برای صلح» فاصله بگیرد. این منطق، همان منطقی است که اروپای پیش از سال ۱۹۱۴ (به آستانه فروپاشی کشاند و نظم جهانی را دچار یکی از خونبارترین فجایع تاریخ کرد. واشینگتن باید بداند که در جهان امروز، قدرت نه م، اعتماد و ثبات بلندمدت بیش از نمایش نظامی ارزش دارد. در غیر این صورت، آنچه اکنون مذاکره مسلح نامیده می‌شود، دیر یا زود به یک «صلح مسلح جدید» تبدیل خواهد شد. این در سال‌های اخیر پیام روشنی داده‌است: دست ایران برای مذاکره باز است، اما این مذاکره باید بدون تهدید، بدون تحریم و بدون سلاح روی میز باشد. انتخاب با امریکاست. آیا از تاریخ درس خواهد گرفت یا همچنان در چرخه‌ای گرفتار خواهد ماند که یک قرن پیش اروپا را به لبه پرگاه برد؟



مدفون شدن ۲۰هزار بمب و موشک عمل نکرده زیر آوارهای غزه

با وجود توقف نسبی درگیری‌ها در غزه، پیوندهای فاجعه‌بار جنایت‌های اسرائیل طی دو سال گذشته هنوز زندگی ساکنان این ناکه را تهدید می‌کند. طبق گزارش دفتر اطلاع‌رسانی دولتی غزه، بیش از ۴۰هزار بمب و موشک عمل نکرده زیر آوارها باقی مانده و خطری جدی برای جان مردم محسوب می‌شوند و بازسازی و بازگشت به زندگی عادی را با مانع روبه‌رو کرده‌اند. در حالی که انتظار می‌رفت آتش‌شش‌شکندۀ در غزه آرامش موقت را برای ساکنان این پاریکه به مرغان آورد، توقف موقت درگیری‌ها موجب شد ابعاد تازه‌ای از جنایت‌های اسرائیل برملا شود. به گزارش خبرگزاری شهاب، «اسماعیل الوائتہ»، مدیر دفتر اطلاع‌رسانی دولتی غزه روز چهارشنبه گفت: ارزشمندی‌های رسمی اولیه نشان می‌دهد که تقریباً ۲۰هزار قطعه موشک، بمب و سایر مهمات بزرگ در میان آوار، روی زمین و در دل خاک پراکنده شده است. وی گفت: این آلودگی، هر منطقه ویران شده را به یک «میدان مین بی‌نشان» تبدیل می‌کند که غیرنظامیان و روندانمدارسانی و بازسازی را تهدید می‌کند. این مسئول دولتی غزه اظهار داشت: برآوردهای فعلی حاکی از ده‌ها هزار بقایای گلوله، موشک، بمب هوایی و خوشه‌ای، مهمات تروخانه، قطعات سیستم‌های هدایت و اشیای انفجاری عظیم است که باعث تلفات انسانی مداوم می‌شوند. الوائتہ تصریح کرد، مهمات منفجر نشده ظرفیت فوری و بلندمدتی را به همراه دارند. از جمله انفجار بگانهی در اثر لمس یا حرکت، پخش شدن ترکش‌های مرگبار، تخریب منازل، اختلال در دسترسی تیم‌های پزشکی و امدادی و محرومیت ساکنان از بازگشت امن، حرکت، کار و کشاورزی. وی گفت: کودکان، آوارگان و کارگران که به دنبال مایحتاج روزانه خود هستند، آسیب‌پذیرترین افراد هستند. مدیرکل دفتر اطلاع‌رسانی دولتی غزه عنوان کرد: این بقایای جنگی باعث فلج اقتصادی و اجتماعی و مانع بازسازی، خدمات بهداشتی و آموزشی و تمام کمک‌های بشردوستانه می‌شوند.